

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

عبدالله باوی
۲۶ مارچ ۲۰۱۳

امپریالیسم و بازی با حق تعیین سرنوشت خلق ها !

در ۸ مارچ امسال جریانی که خود را "جنبش عربی آزادی بخش الاحواز" معرفی می کند تظاهراتی در مقابل مقر پارلمان اروپا در بروکسل پایتخت بلژیک بر پا نمود. بر پاکندگان این حرکت اعتراضی در فراخوانی که جهت برپائی این حرکت منتشر کرده بودند به جای دعوت از همهٔ خلقهای ایران به اعتراض، ضمن انشقاق در صفوف آن ها صرفاً از "انجمن ها، احزاب، مؤسسات و افراد مستقل اعم از کُرد و ترک و بلوچ و ترکمن و غیره" تقاضا کرده بودند که "با شرکت در این راهپیمائی و تظاهرات که همانا جزئی از مبارزات مشترک این ملل تحت ستم و اشغال به ضد دشمن مشترک می باشد، خشم و اعتراض خود را به ضد این سیاست های غیرانسانی و ظالمانه و نژاد پرستانه ابراز نمایند". به این ترتیب و بر اساس ادعای فراخوان دهندگان این حرکت، مردم ستمدیده "فارس" چون جزء دشمنان "ملل تحت ستم" می باشند که عملاً در کنار جمهوری اسلامی قرار داده شده و جایی در مبارزه علیه "رژیم اشغالگر فارس" ندارند.

فراخوان دهندگان این حرکت پس از این تظاهرات نیز گزارش دادند که تظاهرکنندگان با سر دادن شعارهایی "به ضد اشغال و استقلال ملت های غیرفارس از رژیم اشغالگر فارس" علیه "رژیم اشغالگر فارس" فریاد سر داده و سیاست های "غیرانسانی و نژاد پرستانه جمهوری اسلامی در اعدام جوانان عرب احوازی و دیگر ملل غیرفارس اعم از کُرد، ترک، بلوچ، ترکمن و غیره" را محکوم نمودند. از قرار از نظر این دارو دسته تنها اعدام "جوانان عرب احوازی و دیگر ملل غیرفارس" از سوی جمهوری اسلامی عملی است که باید محکوم شود و اعدام دهها جوان شیرازی و اصفهانی و تهرانی و ... چون فارس هستند مسئله محکوم کردنی نیست. برای این ناسیونالیست ها که مسائل سیاسی را با در نظر گرفتن سراسر ایران در نظر نمی گیرند و جمهوری اسلامی را دشمن همه مردم نمی دانند تنها ادیت و آزار و اعدام زندانیان عرب قابل اعتراض است. آن هم در شرایطی که تاکنون هزاران زندانی "فارس" از سازمان ها و گروه های گوناگون بخاطر آزادی خلق ها جان خود را از دست داده اند و با این همه باز هم همچنان در زمره "دشمنان" به حساب می آیند. هزاران انقلابی و فعال سیاسی "فارس" که سراسر زندگی خود را وقف آزادی خلق های تحت ستم کرده و می کنند همچنان در زمره "دشمنان" به حساب می آیند، اینچنین دیدگاهی نه تنها ارتجاعی بلکه جنایتکارانه است زیرا این توده های زحمتکش هستند که در نهایت قربانی حماقت این ناسیونالیست ها می شوند.

جالب است که در شرایطی که رسانه های امپریالیستی تقریباً هیچ کدام از حرکات نیروهای انقلابی مخالف جمهوری اسلامی را پوشش نمی دهند به ادعای خود برگزارکنندگان این حرکت تفرقه افکنانه "تعداد زیادی از خبرنگاران و

روزنامه نگاران از جمله کشورهای بلژیک و هالند و المان" در این حرکت حضور داشتند و این تجمع اعتراضی وسیعاً از سوی رسانه‌های گوناگون پوشش داده شده و "کانال العربیه، وصال، صفاء، الرافدین، الشرقیه، کانال یک بلژیک، کانال‌های ترکیه "EURONEWS" "ANADALU AJANSI" و کانالهای ازری (معرب آذری) و گُردی این راهپیمائی را به طور زنده بخش" کرده اند. آیا خود همین مسأله نشان نمی دهد که چه دستهای پشت چنین حرکتی قرار دارد و چگونه دشمنان خلق های مبارز ما در صفوف یک پارچه آنها شکاف می اندازند، همانانی که به مثابه دشمنان مردم ما در پی سیاست های غارتگرانه‌شان و برای جلوگیری از رشد هر گونه آلترناتیو دموکراتیک، و کانالیزه کردن خشم توده‌ها در پی آلترناتیو سازی های خود در میان توده‌ها و به خصوص در میان خلق های تحت ستم می باشند.

و به همین دلیل هم ما شاهد رویش قارچ وار دار و دسته‌هایی هستیم که تلاش می کنند تا توسط امپریالیست ها به عنوان آلترناتیو شناخته شوند. و به همین دلیل هم سعی می کنند که برای فریب توده‌ها و خلق های تحت ستم، دشمن را نه سیستم سرمایه‌داری و حامیان جهانی‌اش بلکه "ملت فارس" و "رژیم اشغالگر فارس" جا بزنند. حال آن ها از کلمات و مفاهیمی استفاده می کنند که خلق ها را علیه "فارس" به خشم می آورند تا دشمن اصلی آن ها یعنی امپریالیسم و سرمایه‌داری را محفوظ نگهداشته و به این ترتیب مقاصد پست و ریاکارانه خود را پنهان کنند. اکنون "رژیم جنایتکار فارس" شعاری شده است که پی در پی در مقالات آنها ذکر شده و با ذکر "لشکر اشغالگر فارس" آوای جدائی را سر می دهند. آن ها ریاکارانه و با زهر ناسیونالیسم که فضای سیاسی را مسموم می نماید، کل رژیم را که ماهیت بسیار ارتجاعی آن باعث رشد تمایلات جدائی طلبانه در خلق های تحت ستم شده است، نه مجموعه‌ای از سرمایه‌داران وابسته که سیاستهای امپریالیسم را مو به مو اجراء کرده و می کند بلکه تعدادی "فارس" قلمداد کرده و بدین ترتیب جنایتکارانه زحمتکشان "فارس" را نیز جز دشمن خلق های تحت ستم جا می زنند. آن ها دولتمردان جمهوری اسلامی را به تعدادی "فارس" محدود کرده که خلاصی از آن ها باعث خلاصی از تمام مشکلات گشته و چنین دروغی را تبلیغ می کنند. این دارو دسته‌های ناسیونالیست ریاکارانه پشت شعار انقلابی حق تعیین سرنوشت خلق ها مخفی شده و به روی خود نمی آورند که شرط تحقق این اصل انقلابی قبل از هر چیز وجود شرایط دموکراتیک می باشد تا امکان بروز اراده توده ها امکان پذیر گردد. و در شرایط ایران اتفاقاً دستیابی به چنین شرایط دموکراتیکی مستلزم اتحاد داوطلبانه همه خلق ها علیه جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش می باشد.

واقعیت این است که ایجاد کنفرانس های گوناگون و تظاهراتی از این دست ، و سعی در ارتباط با بورژوازی دولت های غارتگر یا امپریالیسم از آن جا ناشی می شود که چنین دارو دسته هایی به دنبال مزایایی هستند که با سودآوری و سیستم بورژوازی گره خورده است. امپریالیست ها نیز که از اوضاع بحرانی رژیم آگاهی کامل دارند اما هنوز آن را مناسبترین آلترناتیو خود دانسته و از آن به گونه‌های مختلف پشتیبانی می کنند هر از گاهی دست به ساختن آلترناتیوهایی می زنند تا هم دست نشاندگان خود را برای گرفتن امتیازهای بیشتر آماده کنند و هم توده‌ها را فریب داده و خود را مهد دموکراسی و پشتیبان آن ها جا بزنند. چنین تبلیغات فریبکارانه ای باعث می شود تا توده‌ها با این خیال خام نگهداشته شوند که امپریالیست ها هم در پی حل مشکلات سیاسی آن ها می باشند.

ولی کمونیست ها مسأله تعیین سرنوشت را از دید مارکسیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند از نظر آن ها در حالیکه حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق های تحت ستم است ولی این مسأله فقط در یک شرایط دموکراتیک می تواند متحقق شود. به همین دلیل هم از نظر کمونیست ها بین اعتقاد به حق تعیین سرنوشت و بازیچه سیاست های امپریالیست ها شدن دنیائی فاصله است. خلق ها برای رسیدن به شرایط دموکراتیک یعنی شرط اصلی تحقق حق تعیین سرنوشت به نابودی دشمن اصلی‌شان نیازمند می باشند امری که مستلزم وحدت و همبستگی همه خلق هاست و خود این

امر در شرایط ایران محصول یک مبارزه طولانی با سیستم سرمایه‌داری وابسته حاکم خواهد بود . وگرنه حق تعیین سرنوشت به کمک امپریالیسم یک پندار واهی و بیمارگونه‌ای بیش نیست. حفظ وحدت مبارزه طبقاتی کارگران در راه سوسیالیسم و دفع انواع نفوذ گرایشات ناسیونالیستی در بین خلق های تحت ستم اتفاقاً یکی از شروط آماده کردن شرایط برای تحقق این اصل می باشد. تنها در این شرایط است که حق تعیین سرنوشت با همه معنای انقلابی‌اش که همانا ابراز اراده آزاد توده‌هاست، امکان بروز می یابد.

مارچ ۲۰۱۳